

کیمهان

انحراف انگاری مفهوم تروریسم:

وزارت امور خارجه امريکا در گزارش‌های سالبانه خود در مورد کشورهای حامی تروریسم، به مانند سال‌های قبل ایران را همچنان فعال‌ترین کشور حامی تروریسم معرفی کرده‌است. در این گزارش ایران بار دیگر متهم شده‌ است که از گروه‌های مسلح و تروریستی در خاورمیانه و آسیای مرکزی حمایت می‌کند و با این کار مستقیماً بر تلاش‌های بین‌المللی برای تقویت صلح از منفی می‌گذارد. ثبات اقتصادی منطقه خلیج‌فارس را به خطر می‌اندازد و به رشد دموکراسی آسیب می‌زند.

این مسئله در حالی است که جمهوری اسلامی ایران، اما همواره اتهامات مطرح‌شده در گزارش سالانه وزارت امور خارجه امريکا در خصوص نقش ایران در تروریسم را رد می‌کند و می‌گوید که این کشور مستحق آن است. به باور تهران در شرایطی که مصادیق رفتار امريکا نشان می‌دهد این کشور بزرگ‌ترین حامی تروریسم طی سه دهه اخیر بوده‌ است. اما تعداد فزایندهٔ اتهام‌های واهی علیه سایر کشورها تلاش می‌کند تا تأکید بر ضرورت جلوگیری از ایراد اتهامات بی‌اساس و مغرضانه به کشورها به عنوان عاملان و حامیان فعالیت‌های تروریستی، هشدار داده است که این روند می‌تواند تأثیرات منفی و نامطلوبی بر اطمینان و اعتماد متقابل بین‌المللی به عنوان یک عنصر اساسی در ثبات و امنیت جهانی داشته باشد.
قربانیان تروریسم امريکایی:

امريکا همواره خود را به عنوان پیشرو در مبارزه با مقوله تروریسم مطرح ساخته و با تشکیل ائتلافی بین‌المللی از کشورهای متحدش روی به اقدامات عملی در این راه آورده است. نمود این اقدامات عملی پس از حوادث تروریستی ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ و طرح دفاع پیشدستانه عینی شده، ایالات‌متحده برای تحقق این طرح، سال ۲۰۰۱ با افغانستان و متعاقب آن در سال ۲۰۰۳ به بهانه مبارزه با تروریسم به عراق حمله کرد. گزارش‌های متعدد نهادهای امنیتی نشان می‌دهد که در طول این سال‌ها افغانستان و عراق به جای مانده از نبرد ناتمام پیکار با ترور در دامان تروریسم ها افتاده‌است. جنگ در عراق و افغانستان در حالی ادامه دارد که در طول این سال‌ها هزاران نفر از غیرنظامیان افغانی و عراقی قربانی اقدامات تروریستی نیروهای ائتلاف شده‌اند. کشودن آتش بر روی منازل و افراد غیرنظامی تنها به خاطر احتمال وجود اعضای القاعده باعث افزایش میزان تلفات غیرنظامیان در این زمینه شده‌ است. افشای ۹۰ هزار صفحه اسناد محرمانه امريکایی‌ها از سوی سایت ویکی لیکس درباره جنگ افغانستان، تنها گوشه‌ای از اقدامات تروریستی نیروهای ائتلاف به رهبری امريکا در این کشور است. با این حال در سرتاسر دنیا نمونه‌های بسیاری در حمایت امريکا از تروریسم وجود دارد. حمایت از اقدامات تروریستی و جنایت گسترده رژیم صهیونیستی در قتل‌عام مردم فلسطین و لبنان، قتل‌عام غیرنظامیان در پاکستان به بهانه مبارزه با گروه تروریستی القاعده، حمایت از نسل کشی دوستانه علیه شیعیان ایران کشور و دیگر اقدامات تروریستی و جنایت‌ها تنها گوشه‌ای از کارنامه رژیم ایالات‌متحده امریکاست. در این اقدامات تروریستی که با نام مبارزه با تروریسم صورت می‌گیرد جان‌های قربانیان را در منطقه سبب شده است. رویکرد ژاوهانه امريکا در مبارزه با تروریسم به همراه بی‌اسامی‌های آن در نیمه ابتدی در خاورمیانه، شرایط را به جایی رسانده است که نشانه‌هایی از آوج خیزی دوباره تروریسم در منطقه شکل گرفته است. این نشانه‌ها به همراه فرار از پذیرش اشتباهات غیرمستولانه امريکا در خاورمیانه و ظهور نسل جدید تروریستها شکستی برای کاخ سفید است. امريکا اما به جای بازنگری در رفتارهای غلط گذشته سعی می‌کند با فرارکتی و دیپلماسی فشار و انحراف افکار یی را تشویق می‌کند. امريکا همچنين نمی‌تواند حمایت خود در خاورمیانه و افلاک ایران را به حوزة اشتباهات استراتژیک خود باز کند. ارائه گزارش‌های سالانه در مورد حمایت ایران از تروریسم در حالی است اقدامات امريکا سبب تشدید و توسعه تروریسم در منطقه شده است. مصالطات مورد گرفته از سوی دستگاه‌های اطلاعاتی و امنیتی امريکا بیانگر این حقیقت تلخ است که جهان، پس از سپتامبر ۲۰۰۱ و آغاز نبرد جهانی با ترور بسیار نامین تر شده است. این نامنی

رابطه با آمریکا در بوته نقد

در مناسبات اجتماعی میان اشخاص، دولت‌ها، ملتها و فرهنگ‌ها، دوستی و دشمنی ناشی از اشتراک و یا تضاد منافع، از امور جاری و معمول به شمار می‌رود. استمرار این دوستی و خصومت تابع اهمیت، عمق و استمرار اشتراک یا تضاد در منافع است.
نکته مهم، کليدی و اساسی، شناخت درست عامل یا عوامل دوستی و دشمنی‌هاست. شناخت و تبیین صحیح متغیرهای مؤثر در روابط دوستانه یا خصمانه، سبب تقویت و تقویم آن‌ها است.
اما در حوزه اشتباهات استراتژیک خود راهی که نشاد شده می‌گردد.

با ذکر این مقدمه، اکنون توانیم ثابت به دور از پیش‌داوری یا پروریخ از گزاف شدن در دام احساسات تند که چشم عقلم را نابینا می‌کند، در فضای منطقی و منصفانه، مسأله رابطه ایران و امريکا را از چند زاویه مورد بررسی قرار دهیم.
۱-امانه اختلافات ایران و امريکا در چه سطحی است؟

اکثر قريب به اتفاق مردم امريکا تابع یکی از ادیان آسمانی مسیحیت، اسلام و یا يهود هستند که باتوجه به اشتراک ادیان آسمانی در سه اصل توحید، نبوت و معاد، وجوه اشتراک در مکتب فراوان است. زندگی مسالمت‌آمیز چند دهه ساله هزاران ایرانی در کنار مردم امريکا بهترین گواه بر این مدعااست. اما در امريکا دين کارکرد سیاسی ندارد و دولت امريکا یک دولت دينی نيست در کشور ایران این گونه نيست، مسأله مبنای دينی ايران دارد و دين مردم از سياست جدا نيست. بنابراین دامنه اختلاف و دشمنی محدود به خصومت دولت امريکا و ملت ايران است.
ملتی که دولت يخی بخشی از آن است.

۲- عاملی یا عوامل اصلی اختلاف دولت امريکا یا ملت ايران چیست؟

الف: عقيدتی: در نگاه دولتمردان امريکا، ارضای

تمایلات انسان محور همه سياست‌ها، برنامه‌ها و فعالیتهاست.

اما در جامعه این‌ها، خدا محوری حاکم است. ارضای

تمایلات انسانی نیز در همین راسخ صورت می‌پذیرد.

ب: فرهنگي: فرهنگ حاکم بر سبب‌سویون امريکا، ترويج لایالی‌گری و پرچیدن صحارها و مرزهای ارزش‌های اخلاقی به منظور از بین بردن فرصت اندیشیدن در اهداف فریفتنی و وظایف اصلی آدمی است. رواج قانونی هیچ‌چسب نهی، پایز، و نه نمونه‌های این‌ها، فرهنگ منطحا است.

اما در جامعه اسلامی ایران، دولت و ملت، ترويج ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به این ارزش‌ها را وظیفه خود می‌داند. در فرهنگ دولتمردان امريکا، خوب، زیبا و مفید، است. این چیزی است که تمایلات مادی و شهوانی انسان را راضی نماید. اما در فرهنگ اسلامی ملت و دولت ایران، هر چه که به رشد و تعالی می‌تواند دست‌نهدای مادی و معنوی انسان و نزدیک کردن آن‌ها به خداوند مورد باشد، مفید و زیبا است؛ خواه آن چیز از امور مادی و طبیعی باشد و خواه از امور معنوی.

ج: اقتصادی: شمار محوری اقتصاد سرمایه‌داری، فریفتنی و وظایف اصلی آدمی است. رواج قانونی هیچ‌چسب نهی، پایز، و نه نمونه‌های این‌ها، فرهنگ منطحا است. ترويج ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به این ارزش‌ها را وظیفه خود می‌داند. در فرهنگ دولتمردان امريکا، خوب، زیبا و مفید، است. این چیزی است که تمایلات مادی و شهوانی انسان را راضی نماید. اما در فرهنگ اسلامی ملت و دولت ایران، هر چه که به رشد و تعالی می‌تواند دست‌نهدای مادی و معنوی انسان و نزدیک کردن آن‌ها به خداوند مورد باشد، مفید و زیبا است؛ خواه آن چیز از امور مادی و طبیعی باشد و خواه از امور معنوی.

د: اجتماعی: شمار محوری اقتصاد سرمایه‌داری، فریفتنی و وظایف اصلی آدمی است. رواج قانونی هیچ‌چسب نهی، پایز، و نه نمونه‌های این‌ها، فرهنگ منطحا است. ترويج ارزش‌های اخلاقی و پایبندی به این ارزش‌ها را وظیفه خود می‌داند. در فرهنگ دولتمردان امريکا، خوب، زیبا و مفید، است. این چیزی است که تمایلات مادی و شهوانی انسان را راضی نماید. اما در فرهنگ اسلامی ملت و دولت ایران، هر چه که به رشد و تعالی می‌تواند دست‌نهدای مادی و معنوی انسان و نزدیک کردن آن‌ها به خداوند مورد باشد، مفید و زیبا است؛ خواه آن چیز از امور مادی و طبیعی باشد و خواه از امور معنوی.

ه: موانع درونی امريکا: برخی از مهم‌ترین موانع عبارتند از:

- عجز و اندیشه و روحیه خود را بزرگ‌بینی و برتری‌طلبی که حاضر نیستند برای هیچ دولت، کشور و ملتی، حقوق برابر با حقوق خود بپذیرند.
- نفوذ عمیق و گسترده و مؤثر جریان‌های صهیونیستی در ارکان حاکمیتی امريکا و تسلط آن‌ها بر کانل‌های سیاسی و فرهنگی با جهان غرب و تأثیر آن در بهبود

تروریسم پروری آمریکا برای مهار ایران

■ اسرلان مرشدی

وزارت امور خارجه امريکا هر ساله و در يك اقدام سنتی و البته تکراری، ليست گروه‌های تروریستی و کشورهای حامی تروریسم را منتشر می‌کند. این اقدام که در راستای دیپلماسی عمومی و رسمی دولت ایالات‌متحده و باهدف دیپلماسی فشار و انحراف افکار عمومی جهان صورت می‌گیرد همواره مورد انتقاد قرار گرفته است؛ طیف انتقادات نیز از رویکرد امريکا در تبیین تروریسم تا گنجاندن گروه‌ها و کشورهای حامی تروریستی مورد مناقشه و بحث‌برانگیز بوده است. امريکا طی سالیان اخیر و به کرات جمهوری اسلامی ایران را یکی از حامیان تروریسم خوانده و همواره در این ليست قرار داده است. ضمن اینکه در برای توجیه این اقدام تلخ نما شده برخی از گروه‌هایی که علیه ایران نیز دست به عملیات تروریستی می‌زند مانند گروهک جندالله را وارد این ليست نموده است. با وجود این امريکا نسبت به تروریسم دولتی رژیم صهیونیستی و دیگر گروه‌های تروریستی متحد خود سکوت اختيار نموده است. این نگاه وارونه و دوگانه امريکا به مقوله تروریسم همواره مورد انتقاد بسیار بوده است. از این رو مطلب پیش رو می‌کوشد تا تروریسم پروری امريکا باهدف مقابله با ایران را مورد بررسی قرار داده و در این میان به عنوان نمونه به گروهک تروریستی جندالله و حمایت‌های کشورهای غربی از آن اشاره نماید، ضمن اینکه کاوش در تروریسم دولتی ایالات‌متحده نیز می‌نماید.

TERRORIST

تأسیسات هسته‌ای و اخیراً حمله اتمی است. باراک اوباما،

ریس جمهوری امريکا ۲ سال قبل در سخنانی در خصوص استراتژی بازنگری موضع هسته‌ای امريکا، کشورهای ایران و کره شمالي را از حملات احتمالی هسته‌ای این کشور منسختی نداشت. امريکا و اوباما گفت که کشورها فقط در تجهیز و ارتکش هسته‌ای امريکا در امان هستند که پایبند پیمان منع گسترش تسلیحات کنتار جمعی باشند، با این حال این اقدامات غیرقانونی امريکا علیه ایران اگر چه در طول ۳ دهه گذشته تکرار شده است، اما در طول دهه اخیر تشدید یافته است. چنانکه نشریه کانتر پانچ دراین باره می‌نویسد: در این باره اجناسی امريکا و انگليس در تجهیز و پشتیبانی عبدالملک ريگی دست داشته‌اند.

همچنان که آوريل ۲۰۰۷ ششکه ABC نیز گفت که دولت امريکا در منطقه سيستان و بلوچستان، محرمانه از گروه‌های تروریستی حمایت می‌کند. این حمایت البته قدمتی به درازی عمر این گروهک‌های تروریستی دارد. هنگامی که دیک چنی، معاون سابق رئيس جمهوری امريکا سابق بریوز شرف، رئيس جمهوری سابق پاکستان در فوریه سال ۲۰۰۸ دیدار کرد از سیوه ستاند محمدتولي در برابر ایران به وسیله گروهک جندالله، در دستور کار قرار گرفت. علاوه بر تروریسم سازمان‌یافته از سوی گروهک‌های چون جندالله، سازمان مجاهدین خلق و پژاک، ایران همچنین قربانی تروریسم دولتی از سوی قدرت مرکزی دولت امريکا نیز بوده است. در این خصوص می‌توان به شلیک موشک به هواپیمای مسافروبری ایران در ژوئن ۱۹۸۸ که منجر به شهادت ۲۹۰ نفر شد و حمله به سکوها نفتی در خلیج‌فارس در اکتبر ۱۹۸۸ و همچنین حمله به مدرساتن حکمی را برای ایران که در همه این موارد، ایالات‌متحده توسط دیوان بین‌المللی لاهه مطرح شناخته شده است.

با وجود این مهم‌ترین مسئله‌ای که ایالات‌متحده و بر مبنای آن متمم به اعمال تروریستی علیه جمهوری اسلامی ایران است، تهدید مدام به حمله نظامی به

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

سیاسی

Siyasi@kayhan.ir

اقداماتی با مشکل مواجه نشد. بودجه ۳۰۰ میلیون دلاری برای طراحی و اجرای اقدامات خرابکارانه علیه ایران مورد حمایت دو حزب در کنگره قرار می‌گیرد و طی تصویب آن به شرایط نامناسب اقتصادی امريکا هم توجهی نمی‌شود. این بودجه‌ها همواره برای طیفی وسیع از عملیاتهای خرابکارانه و تروریستی در جغرافیای جمهوری اسلامی مورد استفاده قرار گرفته است. حمله یواپی جت‌های تاپس تا جنگ نفت‌کش‌ها در خلیج‌فارس، حمایت تسلیحاتی و سیاسی از رژیم بعث عراق در جریان جنگ تحمیلی ۸ ساله، حمایت از جریان تروریسم ضد ایرانی از مجاهدین خلق تا طالبان و گروهک‌های جندالله و پژاک، تلاش گسترده برای ایجاد جنگ‌های قومی و فرقه‌ای در کردستان، گلستان، آذربایجان، خوزستان و سیستان، استفاده ازبازی از نهادهای میجاع بین‌المللی مانند آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، سازمان ملل و شورای حقوق بشری و تلاش‌های مسته‌ای و نامنونه‌هایی از این دست، نشان از اقدامات تروریستی امريکا علیه ایران بوده است.

مطالعه موردی: کارنامه سیاه تروریستی گروهک جندالله

در میان همه اقدامات تروریستی امريکا علیه ایران، حمایت از گروهک‌های تروریستی است؛ یکی از این گروهک‌ها گروهک جندالله است که خود را «جنبش مقاومت مردمی ایران» می‌نامد و یک گروه تروریستی شبه‌نظامی سنتی مذهب بلوچ است. این گروهک از سال ۱۳۸۲ بنیان‌گذاری شد، با این حال اولین عملیات تروریستی توسط این گروهک ۳ سال بعد انجام شد. گروهک جندالله در اولین اقدام خود ۲۳ آذرماه ۱۳۸۴ به کاروان حامل رئیس‌جمهور در جریان سفر استانی به سیستان و بلوچستان در مناطق کویری سيستان (محور زابل – سراوان) حمله کرد که در جریان این حمله محافظ و راننده خودرو محمود احمدی‌نژاد به شهادت رسیدند. حادثه دیگر تروریستی توسط این گروه کمتر از یک ماه بعد و در ۱۲ دی ماه به وقوع پیوست. در حمله به پاسگاه مرزی گدار ناوک سراوان ۸ سرباز مرزبان و رئیس پستگاه تونسطف گروهک ريگی به گروگان گرفته بودند‌شده و به گروگان گرفته شدند که برای آزادی آن‌ها مبلغ یک میلیون دلار طلب شد. پس از این حادثه مبارزه با عملیات های تروریستی گروهک ريگی تشدید شد که در جریان آن ۱۰ بهمن همان سال تمامی سربازان به گروگان گرفته‌شده، آزاد شدند. احمد سریر یکی از اعضای گروهک جندالله نیز ۲۳ اسفند در پارک لاله زاهدان اعدام شد. دو روز پس از این ماجرا، حادثه تاسوگی توسط این گروهک به وقوع پیوست. در این حادثه ۲۲ نفر از مسافران عبوری محور زابل به زاهدان به شهادت رسیده و تعدادی نیز به گروگان گرفته شدند. در حله تاسوگی مجامعین فرماندار زاهدان مجروح شد. پس از این حادثه، اسماعیل احمدی مقدم و مصطفی پورمحمدی دولت امريکا را مشوق گروهک ريگی برای این عملیات نامیدند. این عملیات را به سفارش نیروهای اطلاعاتی امريکا دانستند. گروهک ريگی نیز ۲ فروردین ۱۳۸۵ با انتشار فیلمی عنوان کرد که در صورت آزاد نکردن ۵ عضو این گروه، گروگان‌های واقعه تاسوگی را خواهد کشد. نکته تلخ‌ت‌ترجوه در این حادثه، پوشش وسیع رسانه‌های غربی و بخش همزمان جنایت‌های این گروهک از شبکه‌های CNN، BBC و دیگر شبکه‌ها بود. پس از این حادثه نیز این گروهک به شکلی لجام‌سپخته به عملیاتهای تروریستی خود علیه افراد غیرنظامی و ترور و اسارت آن‌ها ادامه می‌داد.

ایجاد قرارگاه بعثت در منطقه مرزی با پاکستان برای تثبیت بیشتر ضرب امنیتی منطقه از اقدامات گروهک ريگی پس از این رویداد بود. البته پس از آن نیز چند گروهک ريگی یکی از گروگان‌های غیرنظامی را در ۱۷ اردیبهشت همان سال به شهادت رساند. مانور اقتدار ۸ اردیبهشت و رزمایش ضربت ذوالفقار نیز در ۲۸ مرداد همان سال باهدف سرکوب این گروهک برگزار شد. سپس ۶ خرداد طی عملیاتی ۴ گروگان در دست امريکا گرفته آزاد و ۱۴ عضو گروهک جندالله نیز به هلاکت رسیدند.

اهداء دارد

نرمش قهرمانانه به مثابه سنجه صداقت

سیر تحولات روابط خارجی ایران و امريکا بعد از پیروزی انقلاب اسلامی تاکنون، همواره حکایت از رویارویی همه جانبه میان دو کشور داشته است. در این میان، فناوری صلح آمیز هسته‌ای ایران، از بزرگ ترین تحریم‌های مناقشه جهت شرکت دو کشور بوده است، که تاکنون سیاست امريکا در این باره، اجماع سازی جهانی جهت اخیرا و تحریم جمهوری اسلامی بوده است. البته در ماههای اخیر با روی کار آمدن دولت یازدهم و سیاست خارجی اعلامی مبتنی بر اعتماد، نشانه های گفتاری در تغییر رویکردها به ویژه در روزهای اخیر، در هر دو سوی ایران و امريکا آشکار شده است.
به ویژه اینکه؛ مقام معظم رهبری پیش از سفر دکتر روحانی به نیویورک جهت شرکت در مجمع عمومی سازمان ملل متحد، از مفهوم «نرمش قهرمانانه» استفاده نمودند. رهبر معظم انقلاب اسلامی ضمن موافقت با حرکت‌های صحیح و منطقی در سیاستهای خارجی و داخلی، بیان نمودند: ما مخالف با حرکت‌های صحیح و منطقی دیپلماسی می‌نیستیم…

بنده معتقد به همان چیزی هستم که سالها پیش

نرمش قهرمانانه اولا
صداقت امريکا را به محک
تجربه می سپارد و در
صورت صحت ادعاهای آنان،
از فرصت مذاکره، نهایت
استفاده، انجام خواهد گرفت.
ثانيا، در صورت مانع تراشی و
بهانه جویی امريکا برای حل
مسئله هسته‌ای، دیگر هزینه شکست مذاکرات متوجه
ایران نبوده و لذا می توان،
اجماع غرب علیه کشور را
در هم شکست و راه را برای
پیگیری منافع ملی هموار تر
نمود.

اسم گذاری شد «نرمش قهرمانانه»(آیت اله خامنه ای، بیانات در دیدار فرماندهان سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ۱۳۹۲/۶/۲۶). به نظر می رسد فهم رویکرد، اهداف و شیوه اجرای دیپلماسی جدید ایران، منوط به تبیین مفهوم نرمش قهرمانانه است.

الگوی نرمش قهرمانانه
تأمین داده مطمئن در سیاست خارجی خود
اهدافی را تعیین نموده و سعی می نمایند بر اساس یک استراتژی مناسب، به آن اهداف دست پیدا کنند.
این اهداف در نهایت خواست‌ها و نیازهای امنیتی، استراتژیک، اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و نظامی دولت‌ها را تحت پوشش قرار می دهد. البته نباید انتظار داشت که اهداف در طول زمان و در شرایط و مقتضیات مختلف ثابت باقی بمانند، چرا که عوامل متعدد داخلی و خارجی وجود دارند که باعث گذرگونی در اهداف سیاست خارجی یک کشور می‌شوند.

ک طرفی، تعیین هدف در سیاست خارجی، در درجه نخست منوط به داشتن درکی صحیح از مقدرات ملی و محاوره‌های بین المللی است؛ که حاکی از تلقیق امکانات یا اهداف، و اختیار یا اجرتبیت آنها می‌باشد.
در مورد دولت اسلامی نیز شرایط به همین منوال است و اکثر این سیاست‌ها، در حوزه منطقه القراع براساس این اصل منصفانه قرار دارند و تابع مقتضیات زمان و مکان می‌باشند.

در جریان تحول سیاست خارجی جمهوری اسلامی نیز شاهد فرآیندی هستیم که به تدریج در طی آن، عنصر صلحت در سیاستگذاری غالب شده است. این صلصحت است که به عنوان یک اصل محوری اسلامی در طراحی سیاست خارجی دولت اسلامی، باعث می‌گردد به اصل واقع گرایی و شناخت مقتضیات و محدودیت های روابط بین المللی نیز توجه شود.

در واقع سیاست خارجی دولت اسلامی نمی تواند در خلأ و به شکل آرمانی ترسیم گردد. با توجه به محوریت خنا برآو تو نخواهد بود؛
۱-آره کار چیست؟
در این شرایط **پیشینه و بحرانی، بهترین گزینه برای دولت و ملت ایران کدام است؟**
پاسخ این سؤال در ابتدا نیازمند قبول چند پیش فرض است:
۱- خصومت و دشمنی دولتمردان امريکا با جمهوری اسلامی ایران نامایم که هر دو طرف بر مواضع اصولی خود پای فشردند (لامه خواهی یافت.
ظواهر امر حاکی از این است که هیچ کدام از طرفین از اصول خود دستبردار نخواهند بود.
۲- هر اخم و لیخند دولت امريکا در مواجهه با جمهوری اسلامی ایران را باید یک تانک در چارچوب استراتژی آن کشور در اولویت مدنیت به منافع رژیم صهیونیستی و دشمنی با اسلام بویژه شیعه و حکومت اسلامی ایران قلمداد نمود.
۳-نهری نظام اسلامی در دفاع و پایداری براسول، ارزش‌ها و مفاهیم اسلام و انقلاب هرگز مماشات و مسامحه نخواهند کرد.
۴- عوامل موفقیت ایران در مقابل فشارها، حمایت اقتصادی و نظامی دشمن، وحدت مردم، سیاست، دولتمردان و اطاعت دولتمردان از رهبری انقلاب است.
۵- دنیای سیاست امروز، محل برخورد‌های اخلاقی نیست بویژه هنگامی که طرف مقابل به هیچ اصل و ارزش انسانی و بین‌المللی پایبند نیست.

۶- دولت امريکا تلاش می کند تا متناسب با منافع خود موضوع و دستور کار مذاکرات احتمالی با جمهوری اسلامی را تعیین نماید.
با این روش دولت امريکا می‌تواند برای همیشه موضوعی را دست‌انویز قرار داده و ایران را در یک جریان طولانی و فرسایشی گرفتار نگذارد و بدین‌وسیله از ظرفیتهای ایران را به خود مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران برای خود حفظ کند.

۷- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۸- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۹- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۰- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۱- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۲- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۳- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۴- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۵- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۶- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۷- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۸- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۱۹- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۰- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۱- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۲- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۳- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۴- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۵- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۶- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.

۲۷- امريکا و کشورهای غربی به خوبی می‌دانند که موفقیت هر برنامه‌ای منوط به همراهی و همکاری ریاست‌ اسلامی است. لذا به نامل با جمهوری اسلامی نیازمندند. این نیاز سبب می‌شود که دولت امريکا علیه رژیم اختلافات بنیادین با ایران، حاضر به کوتاه آمدن حاقلی در برخی مشغول کرده و بخشی از نظامی اهرم فشار و برگ برندهای ایران در برابر خود حفظ کند.



سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

به ویژه اینکه مقام معظم رهبری از نرمش قهرمانانه، سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

۸ صفحه

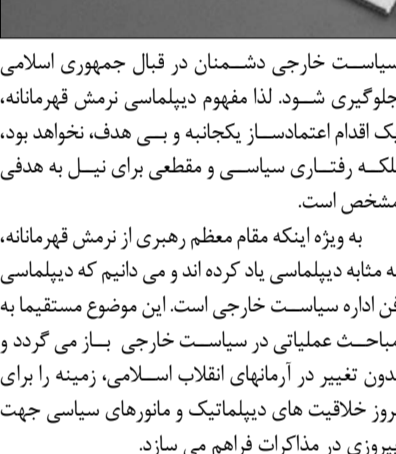
شنبه ۲۷ مهر ۱۳۹۲

۱۳ ذیحجه۱۴۳۴ - شماره ۶۱۹-۲

نرمش قهرمانانه به مثابه سنجه صداقت

اسلامی از ایران را تا تأخیر مواجه سازد. شاید حتی بتوان گفت، اوباما با رویکرد مبتنی بر قدرت نرم و ایجاد ایران هراسی، بسیار بیشتر از سلف خود، یعنی جورج بوش، در ایجاد فضای منفی علیه ایران موفق بوده است. تحریم های اقتصادی نیز از خود سایر کشورهای جهان از تجارت با ایران، زمانی شدت یافت که اوباما توانست خطر هسته ای موهومی به نام ایران را در مناسبات جهانی مطرح ساخته و از جمله، گزینه نظامی روی میز است. اما در همینپایان خود، بلکه در دشمنان خارجی اعلامی مبتنی بر اعتماد، نشانه های گفتاری در تاریخ، سیاست خارجی ایران بایستی عبور از این پیچ تاریخی و حفظ دستاوردهای هسته ای، بر نرمش قهرمانانه استوار باشد. بدین معنا که اصل صلحت به عنوان بنیای سیاست خارجی، با خود مذاکرات چند جانبه، بهبود تعاملات دیپلماتیک با غرب، اعتماد سازی و تنش زدایی ظهور یابد.

چرا که برای موفقیت در سیاست خارجی، گاهی لازم می‌شود نه تنها با همپیمانان خود، بلکه در دشمنان نیز وارد مذاکره شد تا مسائل اخلاقی و متعارض، در یک فرایند مسالمت آمیز حل شده و یا حداقل از سخت شدن



سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش قهرمانانه، یک اقدام اعتمادساز یکجانبه و سی هدف نخواهد بود، بلکه رفتاری سیاسی و مقطعی برای نیل به هدفی مشخص است.

سیاست خارجی دشمنان در قبال جمهوری اسلامی چلوگیوری شود. لذا مفهوم دیپلماسی نرمش